



جایگاه آموزه‌های سنجش آماری ریسک جرم در نهاد ارفاقی آزادی مشروط (مطالعه موردی: زندان‌های استان آذربایجان شرقی)

بابک پورقهرمانی^۱

بیاض کریم زاده^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۱/۲۰

چکیده

در سیستم جدید مدیریت نظام زندانبانی یکی از مهم‌ترین مسائل، کیفیت پیش‌بینی رفتارهای آتی فرد و درواقع، شناسایی مرتکبین پرریسک است. برای پیش‌بینی رفتارهای فرد در آینده به ابزارهای بالینی و آماری تکیه می‌شود. در این راستا، رویکردی جدید به نام عدالت سنجشی در سیاست جنایی شکل گرفته است در این رویکرد، به‌جای توجه به فرد و یافتن علل فردی - اجتماعی وقوع جرم، بزهکار را بر اساس شاخصه‌ها و عوامل ریسک، در گروه‌های پرخطر طبقه‌بندی می‌کنند. با استفاده از روش‌های آماری و بالینی احتمال وقوع جرم توسط او در آینده تخمین زده می‌شود. می‌شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۵۸ معیارهای متفاوتی را برای بهره‌مندی از آزادی مشروط در نظر گرفته‌شده و شرایط استفاده از آزادی مشروط را تسهیل نموده ولی پیش‌بینی عدم تکرار جرم نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا هدف بررسی پیش‌بینی رفتارهای فرد و احتمال ارتکاب جرم توسط او در فرایند آزادی مشروط هست. روش تحقیق از نظر ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی است و در مطالعه موردی از نوع آزمایشی-میدانی بوده و کل زندانیان بهره‌مند از آزادی مشروط در استان آذربایجان شرقی که در سال ۱۳۹۳، ۸۶۴ نفر (به‌عنوان گروه کنترل) و در سال ۱۳۹۴، ۸۰۵ نفر (به‌عنوان گروه آزمایش) بوده‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با مقایسه تطبیقی سال ۱۳۹۴ با سال ۱۳۹۳، با به‌کارگیری سنجش آماری ریسک جرم نرخ بازگشت مجدد زندانیان بهره‌مند از نهاد ارفاقی آزادی مشروط به میزان ۵٪ کاهش یافته است.

^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران، (نویسنده مسئول):

b.pourghahramani@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران،

javadi072@yahoo.com

کلید واژه‌ها

عدالت تخمينی، سنجش آماري، ريسک جرم، آزادي مشروط.

بیان مسئله

برخلاف رویکردهای دیگر عدالت کیفری، عدالت سنجشی دل‌مشغولی اقتصادی داشته و به دنبال استفاده بهینه از امکانات دستگاه عدالت کیفری است؛ بنابراین تلاش دارد امکانات محدود سیستم و از جمله فضای محدود زندان را به شکل بی‌رویه مورد استفاده قرار نداده و در مقابل، آن را به پر ریسک‌ترین توده‌های مجرمین اختصاص دهد. معیار ارزیابی پر ریسک بودن نیز تنها سوابق کیفری مرتکب نیست، بلکه با استفاده از تکنیک‌های آماري و به‌کارگیری مجموعه‌ای از فاکتورهای ریسک، این گروه شناسایی می‌شوند.

ناکامی و شکست زندان در توفیق به اهداف پیشگیرانه، بازپرورانه و بازدارانه زمینه بروز و تشدید بحران تورم جمعیت کیفری را فراهم نموده است. این امر دیرزمانی است که ذهن متصدیان نظام‌های عدالت کیفری را در سراسر جهان به تحرک و تجسس واداشته است. از این‌رو، طرح اندیشه‌های جایگزین زندان و مکانیسم‌های مهار بحران تورم جمعیت کیفری با رویکردی نوین به مقوله زندان، به‌عنوان الگویی کارساز و فایده مند جهت برون‌رفت از این معضل، مورد استقبال واضعان عرصه سیاست جنائی قرار گرفته است. برخی از اندیشمندان کیفری نیز به «جمعیت اصلاحی» اشاره می‌کنند و آن را در مورد افرادی به کار می‌برند که تحت یکی از اشکال مراقبت و اصلاح اعم از زندان‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط قرار دادند (نجفی توانا و میلیکی، ۱۳۸۶: ۲۳ و ۲۶).

در چند دهه اخیر تحت تأثیر تحولات جرم‌شناختی با مطرح‌شدن عدالت سنجشی هدف اصلاح و درمان یا تناسب جرم و مجازات به فراموشی سپرده‌شده و به‌جای آن اهداف حذف، طرد، خنثی‌سازی و سلب توان بزهکاری که با توجه به میزان خطر بزهکاران اعمال می‌شود، در کانون توجه قرار گرفته است. در کیفرشناسی نوین (مدیریت خطرات بزهکاری) نظریه «اصلاح مستمر» (میراث قرن نوزدهم) جای خود را به «استمرار کنترل» (کنترل مستمر) می‌دهد و در این منطق ضمن گسترش زرادخانه کیفری تمام راهبردهای کیفری را نیز تغییر می‌دهد. در اینجاست که «عدالت محاسبه‌گر» ظهور می‌کند (ماری، ۱۳۸۳: ۳۳۷).

پژوهش‌های سنجشی درباره کار آرائی اقدام‌ها و تدابیر پیشگیرانه اجتماعی و بالینی حاکی از آن بود که باوجود سرمایه‌گذاری اقتصادی - انسانی چشمگیر در این زمینه، در کاهش بزهکاری مؤثر واقع نشده بودند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۲۷۰ و ۲۷۱). هرچند در گفتمان

قانون‌گذار ایران تلاش‌هایی در جهت توجه به معیارهای شناسایی خطر سابقه کیفری به‌عنوان شاخص ارزیابی خطر مشاهده می‌شود اما این ملاحظه به‌صورت نظام‌مند و همراه با مبانی نظری و علمی جدید خود نبوده است برای مثال برخی از نظام‌های کیفری علاوه بر تعیین سابقه جرائم قبلی، تحول در نوع جرم ارتكابی و فاصله ارتكاب جرائم را نیز به‌عنوان عاملی مؤثر در تعیین کیفر شناخته است. بدیهی است تحقق این امر منوط به وجود زیرساخت‌های اطلاعاتی و بایگانی جنائی علمی و معتبر است. نظام‌های عدالت کیفری فاقد چنین زیرساخت‌های اطلاعاتی و بانک داده در سنجش و مدیریت خطر با مشکل روبرو می‌شوند. استفاده از واژه «بیم تجری» در گفتمان حقوق کیفری ماهوی بدون تعیین و معرفی شاخص‌های عینی برای تشخیص خطر، ابهام‌برانگیز می‌باشد. به‌کارگیری چنین واژه‌هایی بجای معرفی شاخص‌های عینی و سنجش‌پذیر مانند سن مجرم، فاصله ارتكاب جرائم مرتکب، پیوندهای اجتماعی مجرم و فقدان آموزش‌های ضروری جهت سنجش و مدیریت خطر مجرم، دستیابی به هدف، قانون‌گذار را با چالش‌های جدی روبرو می‌سازد. در بسیاری از نظام‌های حقوق کیفری قانون‌گذار در چنین مواردی قاضی را به حال خود رها نکرده و ملاک‌های عینی را برای ارزیابی میزان خطر مجرم به او معرفی کرده است. در حقوق تطبیقی در نظر گرفتن پیوندهای اجتماعی مجرم یکی از این ملاک‌ها است. قاضی می‌تواند روابط قوی و ثابت متهم با خانواده و جامعه رانشان دهنده خطر کمتر مجرم بداند، یا در مجرمین مصرف‌کننده مواد مخدر یا مشروبات الکلی، مشغول بودن به درمان و درجه انگیزه و اراده او برای همکاری در طول دوره درمان خطر کمتر مجرم را نشان می‌دهد (عابدی نژاد: ۱۳۸۸).

در سیاست کیفری جدید، با توجه به میزان خطرناکی بزهکاران و احتمال تکرار جرم مجدد آنان تصمیمات دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری در همه مراحل فرایند کیفری متفاوت خواهد بود؛ بنابراین در رویکرد جدید بر اساس ارزیابی آماری خطر تکرار جرم و شدت خطرناکی بزهکاران، به دسته‌بندی آنان در گروه‌های مختلف پرداخته می‌شود و سپس با توجه به میزان خطرناکی هر گروه به انتخاب مجازات‌های مختلف (متناسب با شدت جرم و خطرناکی بزهکار) مبادرت می‌گردد. از این‌رو در مورد تمام بزهکاران از یک نوع مجازات یا ضمانت اجرای کیفری استفاده نمی‌شود. هدف این سیاست آن است که با کشف درجه خطر قابل قبول برای جامعه به طرد خطرهای غیرقابل تحمل از جامعه - یعنی نگهداری بزهکاران خطرناک در زندان - و نظارت و کنترل دوگانه بر سایر بزهکاران در صحنه اجتماع مبادرت کند که به موازات این

هدف، هدف دیگری نیز دنبال می‌شود و آن پیشگیری از تورم جمعیت کیفری زندان و بنابراین صرفه‌جویی در هزینه‌هاست (ریگا کاس، ۱۳۹۲).

برقراری نظم و امنیت در جامعه و مقابله با بزه‌کاران حرفه‌ای و سنجش ریسک جرم از یک‌سو و حفظ حقوق و آزادی‌های افراد جامعه از سوی دیگر سبب می‌گردد تا کنشگران عدالت کیفری به هنگام دستیابی به یکی از این دو مدل با توصیفات زمانی سعی در مهم‌تر جلوه دادن الگویی بر الگوی دیگر نمایند. به همین دلیل در تحولات تاریخی به‌کارگیری کاربست‌های خاصی از دو الگوی متفاوت مشاهده می‌گردد. با این حال در فرایند حاضر اکثر نظام‌های کیفری به دنبال راه‌کارهای تلفیقی از هر دو الگو می‌باشند. بر این اساس کارگزاران عدالت کیفری با افتراقی کردن نوع واکنش در مقابل مجرمین خاص نظیر مرتکبین جرائم تروریستی و بزه‌کاران جرائم جهانی سعی در به‌کارگیری الگویی امنیت مدارانه دارند؛ اما در مقابل در خصوص سایر جرائم و مرتکبین آن نظیر جرائم روزمره سیاست کیفری مبتنی بر الگوی کرامت مدار می‌باشد چراکه ارتکاب این دسته از جرائم همواره وجود داشته و با پیچیدگی و سازمان‌یافتگی خاصی همراه نیست. وجود اکثریتی این دسته از جرائم در سیستم طبقه‌بندی کیفری داخلی موجبات استفاده از رویکرد مدل کرامت مدار را بیشتر نموده است. چه اینکه توجه به تأسیسات کیفری جدید نظیر نظام نیمه آزادی یا جایگزین‌های حبس در حقوق ایران در کنار گستردگی بیشتر سایر نهادهای ارفاقی مانند تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط موجب تأثیرپذیری بیشتر نظام عدالت کیفری داخلی از کرامت مداری گردیده است (جعفریان سوته، ۱۳۹۴: ۵۱).

قانون‌گذار ایران به دنبال سیاست جنائی تقنینی، قضایی خود مبنی بر مدیریت و مهار تورم جمعیت کیفری زندان‌ها شرایط استفاده از نظام آزادی مشروط را تسهیل نموده و با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شرط سابقه قبلی محکومیت حبس و سایر شرایط را حذف نموده است. ولی باز به امر تأکید دارد که حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال هست که: در قوانین کیفری ایران از چه شاخص‌هایی برای پیش‌بینی تکرار جرم در آینده در مورد زندانیان بهره‌مند از آزادی مشروط استفاده شده است؟ فرضیه ارائه‌شده در راستای سؤال فوق این است که: سیاست جنائی قضائی ایران در مورد آزادی مشروط از میان شاخص‌های سنجش خطر مجرمان به‌صورت موردی بر پیشینه کیفری، نوع جرم، سن مجرم، پیوندهای اجتماعی بیشتر متمرکز شده است.

ادبیات نظری پژوهش

اصولاً «در هر برنامه نظارتی از جمله نظارت بر مجرمان، در قالب‌های تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط، نظارت الکترونیکی، قیود و شرایط هستند. بدیهی است یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت یک موظف به رعایت آن قیود و شرایط هستند. بدیهی است یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت یک برنامه نظارتی در کمیت و کیفیت نظارت‌پذیری افراد تحت نظارت است. درعین‌حال، تخلف افراد تحت نظارت از اجرای تدابیر نظارتی از دغدغه‌های همیشگی در اجرای یک برنامه نظارتی محسوب می‌شود. تخلفاتی که از آن به نظارت‌گریزی تعبیر می‌کنیم، ممکن است به اشکال مختلفی مانند ارتکاب جرم جدید، امتناع یا سرپیچی از اجرای دستور، فرار، دست‌کاری و از کار انداختن تجهیزات الکترونیکی یا سوءاستفاده از پوشش، آرایش و جنسیت غیرواقعی صورت پذیرد. درعین‌حال منشأ برخی از چالش‌ها، فقدان معیار و مصادیق مشخص در تبیین جرائم و مجرمان خطرناک و پر ریسک است. همچنین مفهوم خطرناکی و تعریف جرم و مجرم خطرناک، مفهوم ثابتی نیست، بلکه این مفهوم، متأثر از شرایط زمانی و مکانی با توجه به دیدگاه‌های حاکم بر دستگاه عدالت کیفری هر کشوری متغیر است» (نجفی ابرندآبادی و ابارگر، ۱۳۹۳: ۳۴).

جرم‌شناسان تعاریف متعددی از حالت خطرناک ارائه داده‌اند که به‌رغم تفاوت اندکی که از لحاظ منطوق آن‌ها به چشم می‌خورد، از حیث معنا و مفهوم نسبت به یکدیگر نزدیک می‌باشد. از جمله گفته شده است «حالت خطرناک و سوسه احتمالی در مجرم است که در اثر آن دست به ارتکاب عمل مجرمانه خواهد زد» در این تعریف این حالت، فرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که تمایل به ارتکاب جرم پیدا می‌کند و متعاقباً به آن دست می‌زند. وجه تسمیه حالت خطرناک نیز از اینجا نشاءت می‌گیرد.

به تعبیر فون لیست، هرگاه از وضع روحی و جسمی فرد مجرم استنتاج شود که باوجود اجرای مجازات معمولی نمی‌تواند از دست زدن به اعمال مجرمانه خودداری کند. دارای حالت خطرناک است. این حالت باوجود آن که فرد دست به ارتکاب جرمی نزده، نیز می‌تواند موجود باشد (امینی، ۱۳۴۶: ۱۲۶). ژان پیناتل نیز حالت خطرناک را احتمال موجود در فرد دانسته مبنی بر این که بتواند به ارتکاب عملی ضدا اجتماعی که در علم حقوق جرم نامیده می‌شود، دست زند (امینی، ۱۳۴۶: ۱۲۷). تعاریف ذکر شده با توجه به پیدایش مفاهیمی چون فرهنگ کنترل جرم، کنترل بزه‌کاران، سیاست جنایی ریسک مدار، مطالبات امنیتی و غیره، قابل پذیرش نیستند. لذا حالت خطرناک، مفهومی نسبی است که در زمان‌های مختلف و با توجه به اهداف

سیاسی و قضایی، برداشت‌های مختلفی از آن شده است و با این تعبیر، مفهوم خطرناکی، ریشه در گفتمان ریسک دارد. اگر درک درستی از حالت خطرناک داشته باشیم، می‌توان با ارزیابی کارشناسانه و با توجه به میزان خطری که مجرم در آینده برای جامعه به وجود می‌آورد، ضمانت اجرایی مناسب برای سلب توان بزه‌کاری چنین شخصی مقرر نمود. در مدیریت خطر جرم، سوژه اصلی مجرم است و از منظر حقوق ایران، مفهوم حالت خطرناک ذیل مجرم خطرناک پذیرفته شده است. لذا مجرمان خطرناک بر اساس نظریه مدیریت ریسک جرم تعریف می‌شود و بر این اساس، مجرم خطرناک کسی است که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و کیفیت و شدت جرم ارتكابی، وی را در مظان ارتكاب جرم در آینده قرار می‌دهد و بر این اساس دادگاه، برای مدیریت ریسک جرم و تکرار آن، کنترل بزه‌کاری و یا کاهش خطرها و تهدیدهای مجرمانه یا جابه‌جایی آن‌ها، تدابیری را بر اساس میزان خطر مجرمان اتخاذ می‌کند که در درجات مختلفی میان حذف بزه‌کار از جامعه تا طرد و خنثی‌سازی و جلوگیری پیوسته یا موقتی از اضرار او به جامعه در نوسان است (عبدالهی و بهرامی، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۱۷).

تحقیقات متعددی در سال‌های اخیر در قالب پایان‌نامه، رساله و مقاله صورت گرفته و عناوینی چون عدالت آماری، مدیریت خطر، کیفرشناسی نو و جرم‌شناسی نو وارد گفتمان حقوقی و جرم‌شناسی ایران شده است. اتخاذ سیاست مدیریت خطر از سوی قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۸۷ (ماده ۴۸ مکرر ق.م.ا سابق) را می‌توان سرآغاز مطالعه و تحقیق جدی در این زمینه دانست.

الف) ویژگی‌های اساسی رویه‌های سنجشی

ویژگی مهم و اساسی رویه‌های سنجشی که به‌وسیله اندیشمندان ریسک و حکومت‌مدار که در برخی گرایش‌های ساختاری و در کارهای ماکس وبر (۱۹۶۸-۱۹۳۲) در مورد اداری کردن، هابرماس (۱۹۴۸) در مورد منطق و عقلانیت و یا اخیراً ریترز (۱۹۹۶) در مورد مک دونالیزه کردن ملاحظه می‌شود (ریگا کاس، ۱۳۹۲: ۴):

۱- یک فضای سیاسی حکومتی می‌تواند گویای آن باشد که کنترل اجتماعی به میزان زیادی به اشکال عادی و غیرتهاجمی نظم و نظارت تکیه دارد. این قضیه فوکویی بیان می‌دارد همان‌طور که جامعه از اشکال مختلف موجود در نظم سیاسی از قبیل لیبرال به کینسیان و همچنین به نئو لیبرال و یا لیبرال پیشرفته می‌گذرد، تاکتیک‌های دولتی کنترل اجتماعی

- منسجم‌تر می‌شود. این به این معنی است که نهادهای مشترک و مستقل نقش طبقه‌بندی کردن جمعیت‌ها را در نظم اجتماعی غیرمتمرکز و متحرک را بازی می‌کند.
- ۲- یک شتاب در جمع‌آوری دانش به‌منظور مدیریت جمعیت‌ها وجود دارد. در یک تلاش برای به حداقل رساندن ریسک، متخصصین و سیستم‌های متخصص در هر دوی محیط‌های خصوصی و عمومی اعتماد ما را به کامپیوترها و تاکتیک‌های مدیریتی اداری افزایش می‌دهند؛ بنابراین تاکتیک‌های نظارتی تعبیه‌شده که نقش شناسایی جمعیت را دارند، قصد دارند که نهادهای سازمانی را غالب سازند.
- ۳- سیستم‌های متخصص یک رژیم مدیریتی بیمه محور را پذیرفته‌اند که در این حالت تصمیمات بر اساس نمونه‌های ریسک داده‌شده به یک‌نهاد گرفته می‌شوند. به‌منظور اینکه چنین نمونه‌هایی ایجاد شوند آمار و ارقام زیادی به کار گرفته می‌شوند تا درجه خطرناکی اشخاص تعیین شود.
- ۴- روبنای اطلاعات ریسک ممکن است غیراخلاقی در نظر گرفته شود زیرا غیرشخصی است. در مقابل این رویه‌ها به‌وسیله نظریه‌پردازان ریسک به‌عنوان یک نمونه اخلاقی والا توصیف‌شده‌اند زیرا آن‌ها قواعد سازمان‌یافته و انتظارات جامعه را منعکس می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، اخلاقیات به‌صورت تکنولوژی و سیستم‌های متخصص مدیریت ریسک درآمده است. در این مفهوم انحراف از هنجار هم از لحاظ آماری و هم از لحاظ اجتماعی مهم است.
- ۵- ریسک همچنین می‌تواند نمادین شود. در اولین نمونه که در آن مردم مجبور می‌شوند با عوامل پر مخمضه موجود در ارزیابی‌های خطر که با بیوگرافی آن‌ها گره‌خورده است مذاکره و گفتگو کنند و در دومین نمونه، به خاطر اینکه ریسک‌ها گرایش دارند که تکرار شدنی و نامحدود باشند. عمده تئوری اجتماعی ریسک ویژگی بالارونده همیشگی آن می‌باشد.

ب) عدالتِ سنجشی

با مقایسه عدالت سنجشی یا محاسبه‌گر با سایر شیوه‌های عدالت (عدالت توزیعی - سزا دهنده و عدالت بازپروری کننده) و معیارهای آنان، به دو عنصر اصلی عدالت محاسبه‌گر پی‌می‌بریم. این دو عنصر که به‌طور عمده به یکدیگر مربوط‌اند می‌توانند گسستگی و نوآوری عدالت محاسبه‌گر را توضیح دهند. این دو عنصر عبارت‌اند از: بهنجاری جرم و کاربرد آمار در قلمروی کیفی (ماری، ۱۳۸۳: ۳۴۹).

از نظر فیلی و سیمون نیز، عدالت سنجشی یک نظریه جرم شناختی و یا تئوری خاصی در مورد جرم نیست؛ اما به نظر می‌رسد هرچند این رهیافت نوعی سیاست کیفری بوده و ماهیتاً جرم‌شناسی نیست، اما در دل خود واجد یک پیش‌فرض در مورد جرم بوده و مبتنی بر نظریه بهنجار بودن دورکیم است. عدالت سنجشی مفهوم تاریخی حالت خطرناک را به‌گونه‌ای خاص احیا کرده است. با این تفاوت که این بار به‌جای اینکه صحبت از فرد دارای حالت خطرناک باشد، از گروه‌ها و طبقات خطرناک سخن به میان می‌آید. این رویکرد به سمت مدیریت جمعیت همیشه خطرناک جهت‌گیری شده است. عدالت سنجشی ارتباط تنگاتنگی با جرم‌شناسی نوین دارد و جرم‌شناسان جدید به‌جای آموزش جامعه‌شناسی یا مددکاری اجتماعی، تجزیه و تحلیل سیستمی و تحقیق در عملیات فرامی‌گیرند. در واقع این رهیافت جدید جرم‌شناسی نبوده و یک شاخه کاربردی نظریه سیستم‌ها است. پس از نظر فیلی و سیمون (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۱۶۲):

- ۱- در عدالت سنجشی ادبیات احتمال و ریسک، جایگزین گفتمان گذشته تشخیص بالینی و قضاوت سزا گرا شده است.
- ۲- شکل‌گیری اهداف جدید برای سیستم، به‌جای اهداف سنتی اصلاح و کنترل جرم، اولویت به کنترل مؤثر فرایندهای درونی سیستم داده می‌شود.
- ۳- رشد و توسعه تکنیک‌های نوین، در مقابل تکنیک‌های سنتی که فرد را مدنظر قرار می‌دهند، این تکنیک‌ها مرتکبین را به‌صورت یک توده در نظرمی گیرند.

همان‌گونه که سیمون می‌گوید، رویکرد نوین متمایل به شیء پنداری و توده‌سازی افراد است. در این رهیافت، تلاش در جهت پیش‌بینی رفتارهای آتی افراد، به کمک ابزارهای آماری است (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۱۶۲ و ۱۶۵).

مدیریت ریسک یک محیط منضبط برای تصمیم‌گیری‌های پیش‌تازانه و غیر منفعل در موارد ذیل فراهم می‌آورد (بابائی و وزیر زنجانی، ۱۳۸۵: ۶۷):

- ۱- ارزیابی پیوسته در مورد آنچه که ایجاد اشکال می‌کند (ریسک)
- ۲- شناسایی ریسک‌های مهم در راستای برخورد با آن‌ها
- ۳- اجرای راهبردهای مناسب به‌منظور اداره کردن ریسک‌ها

سنجش ریسک فرایندی است که طی آن، مرتکبین بر مبنای متغیرهای کلیدی چندی که به‌صورت تجربی مشخص شده در افزایش احتمال ارتکاب جرم نقش دارند، ارزیابی می‌شوند.

معمولاً ارزیابی ریسک طبقه‌بندی سوژه سنجش و قرار دادن وی در یک گروه و دسته را در بردارد، چراکه در ارزیابی ریسک، فردی که در موردش تصمیم‌گیری می‌شود به صورت صریح و یا تلویحی مانند افرادی محسوب می‌شود که به‌عنوان اشخاص خطرناک و یا کم ریسک دسته‌بندی شده‌اند.

سنجش ریسک مجرمین به صورت رسمی و غیررسمی، سابقه‌ای طولانی در دستگاه کیفری دارد. نقطه عطف عدالت سنجشی، کنار گذاشتن روش‌های ارزیابی سنتی ریسک و توسل به شیوه آماری سنجش است.

ج) سنجش ریسک شهودی

در سیستم قضائی، بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها به صورت غیر عینی و بدون تشریح دلایل موافق و مخالف و بدون فرمول صریح و روشنی صورت می‌گیرد. فرد تصمیم‌گیرنده‌ای که احتمالاً آموزش خاصی در زمینه سنجش ریسک ندیده است، بر مبنای تجربیات روزمره خود، فاکتورهایی که به نظرش مرتبط هستند را سبک و سنگین کرده و به یک تصمیم می‌رسد. این شکل سنجش را روش شهودی نامیده‌اند (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

مثلاً قضات در زمان دادرسی به صورت ضمنی یک ارزیابی کلی در مورد میزان ریسک فرد به عمل می‌آورند. فاکتور اصلی این ارزیابی، جرم ارتكابی است. به‌عنوان مثال، از دیدگاه قضات، جیب‌برها سارقین معمولی هستند که به صورت انفرادی و غیر سازمان‌یافته و بدون اسلحه، مرتکب سرقت اموال ناچیزی می‌گردند و از این لحاظ غالباً مجرمین کم ریسک به شمار می‌آیند. در مقابل سرقت از بانک‌ها معمولاً به شکل سازمان‌یافته و گروهی، مسلحانه و واجد اموال مسروقه عمده محسوب می‌شوند و بنابراین سارقین بانک‌ها جزء مجرمین پر ریسک به شمار می‌آیند (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

ممکن است قضات فاکتورهای دیگری چون ظاهر فرد مورد ارزیابی، نحوه صحبت کردن وی، جنسیت، سن و... را نیز مدنظر قرار دهد، البته این معیارهای طبقه‌بندی در دادگاه‌های و قضات مختلف متفاوت است و اجرای یک نظام کیفری واحد را مخدوش ساخته و موجب شکل‌گیری «عدالت کیفری شانسی» می‌گردد. بدین معنا که سرنوشت متهمین منوط به آن می‌گردد که دست تقدیر بررسی پرونده‌شان توسط کدام قاضی را رقم زند. این تفاوت معیارهای سنجش ریسک در بین سایر متولیان و دیگر نهادهای عدالت کیفری مثل سازمان زندان‌ها نیز

وجود دارد. بدیهی است که شیوه مطرح‌شده شیوه‌ای ذهنی، غیر عینی و غیرعلمی بوده و نمی‌توان آن را مبنای سنجش قرارداد.

د) سنجش ریسک بالینی

ارزیابی بالینی توسط متخصصانی چون روان‌شناس، روان‌پزشک، مددکار اجتماعی و... انجام می‌گیرد، متخصصان فرد را معاینه می‌کنند و با توجه به فاکتورهای مدنظر خویش مانند سابقه بیماری روانی، وضعیت خانوادگی، رشد مهارت‌های فردی و... نظر خود را اعلام می‌دارند. روش بالینی شیوه‌ای معتبر در سنجش ریسک مجرمان است. در مدیریت ریسک جرم به دلیل اهمیت دادن به سرعت تحقیقات و صرف کمترین هزینه، در مدت کوتاهی و بدون دقت لازم انجام می‌شود. چه‌بسا سرنوشت فرد بی‌گناهی به‌واسطه همین عدم دقت‌ها تغییر کند. اصل برائت و بی‌گناهی متهم قربانی کارکردهای کنترلی و اقتصادی سیستم عدالت کیفری مدیریتی می‌گردد (رضوانی، ۱۳۹۱: ۴۶ و ۴۷).

فاکتورهای ریسکی که در سنجش بالینی به کار گرفته می‌شوند، از مرتبگی به مرتکب دیگر متفاوت بوده و ممکن است در طول زمان نیز تغییر کند. «این فاکتورها شامل ناهنجاری روانی، دیدگاه‌ها، رفتار، سوابق فرد، مهارت‌های اجتماعی اش و... می‌شود» (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۱۷۱). از این عوامل و فاکتورها برای تعیین سطح مراقبت و دوره درمانی بزهکار استفاده می‌شود. برای نمونه یک بخش با عنوان «عوامل خاص خطر» شامل یک فهرست ۱۴ عاملی نظیر تشخیص بیماری‌های روانی، ناتوانی، در حل مسئله و مهارت‌های اجتماعی می‌شود. متغیرهای اجتماعی و فرهنگی در بخشی با عنوان «عوامل اجتماعی، بهداشت روانی» شامل یک لیست ۲۰ عاملی دربرگیرنده سلامت جسمانی، افسردگی، بی‌جانمانی، مسائل اقتصادی، اعتماد به نفس ضعیف و احساس شرمندگی می‌شود. همچنین در بخش امور تأثیرپذیری خاص به سنجش هشت عامل شامل انگیزه، مسائل فرهنگی، مسائل قومیتی، ضریب هوشی پائین و موانع ارتباطاتی پرداخته است (آشوری و قاسمی مقدم، ۱۳۹۲: ۱۳ و ۱۴).

دادگاه عالی آمریکا و کانادا روش بالینی را شیوه‌ای معتبر در سنجش مجرمین دانسته‌اند. در تصمیم‌گیری بالینی، سنجش و ارزیابی غالباً زمان‌بر و طولانی‌مدت است، به‌خصوص زمانی که گزینش عملکرد مناسب از میان انتخاب‌های موجود، حائز اهمیت بوده و تراکم کار نیز وجود نداشته باشد؛ اما اگر مسئله پیش‌پا افتاده بوده و یا واکنش سریع لازم باشد، تصمیم‌گیری مختصر و فوری است (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

اگرچه ارزیابی بالینی ریسک رسماً پذیرفته شده، اما دقت آن محل بحث و تردید است. در مصاحبه، پرسش‌هایی که متخصصین بالینی از جرم حین معاینه یا مصاحبه می‌پرسند، اغلب شخصی، نامنسجم و فارغ از ساختار هستند که به‌طور تصادفی با تکرار جرم ارتباط پیدا می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر مناسب بودن یا مرتبط بودن سؤالات آنان معلوم نیست و نتایج کارشان اغلب بهتر از آزمون شیر و خط نیست. برخی بررسی‌ها حاکی از آن است که در زمان سنجش، متخصصین برخی فاکتورهای ریسک مثل سن و جنسیت را مدنظر قرار نمی‌دهند. بلفراگ در تحقیقی که در سال ۱۹۹۸ انجام داد، به این نتیجه رسید که از بین فاکتورهای مختلفی چون جرم ارتكابی، سن، سوابق کیفری و وضعیت روانی، فقط نوع جرم ارتكابی وجه تمایز مجرمینی که پر ریسک شناخته شده بودند، از کم ریسک‌ها بود. حتی برخی تحقیقات نشان داده‌اند که وقتی به افراد غیر حرفه‌ای و غیرمتخصص هم اطلاعات کافی ارائه شود، می‌توانند پیش‌بینی‌های بالینی به‌دقت متخصصین انجام داده و حتی در برخی موارد پیش‌بینی‌های بهتری انجام دهند. به‌علاوه، متخصصین غالباً پس از بررسی یک فرد واحد به نتایج متفاوتی دست می‌یابند. حتی در برخی موارد آن‌ها پس از مشورت با یکدیگر نیز پیش‌بینی‌های متفاوتی خواهند داشت. چنین یافته‌هایی جایگاه و نقش تخصص و کارشناسی در پیش‌بینی حالت خطرناک را از اساس زیر سؤال برده و این ابهام ایجاد می‌شود که گویی فرایند سنجش کاملاً دلبخواهی بوده و آینده مرتکب بسته به آن است که دست تقدیر بررسی پرونده‌اش را به کدام کارشناس محول نمایند (رضوانی، ۱۳۹۱: ۴۷).

این خصایص و ویژگی‌های شخصی، در مجموع برای کارشناس تصویری از فرد مورد بررسی ترسیم نموده و آنگاه متخصص در مورد آسیب‌های بالقوه‌ای که ممکن است فرد ایجاد کند، تصمیم می‌گیرد.

ه) سنجش آماری و پیش‌بینی و ارزیابی ریسک

در روش آماری، بزهکار به‌عنوان یک شخصیت منفرد سنجش نمی‌شود، بلکه در این خصوص می‌توان شاهد تغییر دیدگاه از سنجش فردی بزهکار به سنجش گروهی بود. در سنجش آماری به افراد بزهکار به‌عنوان اعضای یک گروه یا طبقه خطر دار (نگاه جمعی و توده‌ای) نگاه می‌شود و نه مانند سنجش بالینی به‌صورت موردی و انفرادی. طبیعی است که از این دیدگاه، سنجش خطر جرم، برخلاف سنجش بالینی مبتنی بر علت شناسی پدیده جنایی و کشف عوامل واقعی ارتکاب جرم نیست، بلکه سنجش به یک فرایند نشانه‌شناسی در خصوص عوامل خطر تنزل

یافته است، فرایندی که در آن برای سنجش خطر، به جای تمرکز بر ویژگی‌های فردی شخصیت بزهکار، به امتیازهای آماری او توجه می‌شود. به این ترتیب می‌توان شاهد آماری شدن مفاهیم بزهکار و بزهکاری در سنجش خطر جرم بود (قاسمی مقدم، ۱۳۹۲: ۴).

این روش مبتنی بر مشابهت رفتار فرد با افراد دیگری است که فاکتورهای مشابهی داشته‌اند. در سنجش آماری، ریسک فرد بر مبنای وجود فاکتورهای ریسک مرتبط باهدف، مثلاً تکرار جرم ارزیابی می‌گردد.

به‌عنوان مثال، اگر فرد دارای فاکتورهایی مشترک با آن‌هایی باشد که در طول آزادی مشروط مرتکب تکرار جرم شده‌اند، ریسک وی نسبت به فردی که چنین فاکتورهایی ندارد، بیشتر محسوب می‌شود. استفاده از این روش در علوم جنایی نخستین بار به‌وسیله کارشناسان آزادی مشروط صورت پذیرفت.

در سال ۱۹۲۳، سام بی وارنر با توجه به ۶۷ فاکتور جمع‌آوری‌شده توسط هیئت آزادی مشروط، ۳۰۰ نفر از زندانیان زندان ماساچوست که آزادی مشروط موفقی داشتند را با ۳۰۰ نفر که شرایط آن را نقض نموده بودند، مقایسه کرد. وی به نتایج عینی چندانی برای تمیز و تفکیک مرتکبین دست نیافت. مدت اندکی پس از آن جامعه‌شناسی به نام هورنل هارت به این نتیجه رسید که از طریق به‌کارگیری علمی اطلاعات که از قبل جمع‌آوری شده است، درصد نقض آزادی مشروط توسط زندانیان مرد زندان ماساچوست ۵۰ درصد کاهش می‌یابد وی با بررسی یافته‌های وارنر به این نتیجه رسید که ۳۵ درصد از تمایزاتی که در تحقیقات وی وجود دارد، بر مبنای شانس قابل توجیه نیستند. هارت پیشنهاد داد آیت‌های مختلف را بر مبنای میزان همبستگی‌شان با نقض شرایط آزادی مشروط مدنظر قرار دهیم. وی افزود بر مبنای این امتیازات می‌توان گزارش‌هایی را به هیئت آزادی مشروط به این شکل ارائه نماییم: جیم جونز واجد امتیاز ۹۳ شده است. در تجارب قبلی هیئت، تنها ۱۹ درصد از افرادی که امتیاز حدود ۹۳ درصد داشته‌اند، شرایط آزادی مشروط را نقض کرده‌اند... ویل اسمیت، امتیاز ۲۱ دارد. در تجارب قبلی، ۸۰ درصد از افراد دارای امتیاز مشابه، شروط آزادی را نقض کرده‌اند. (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

روش‌های آماری نیازمند جمع‌آوری حجم عمده‌ای از داده‌های مربوط به گذشته هستند. هر داده‌ای که ارتباط معناداری با نتیجه، مثلاً تکرار جرم، احتمال نقض شرایط آزادی مشروط و... داشته باشد را فاکتور ریسک می‌نامیم. فاکتورهای ریسکی که به‌وسیله سنجش‌های آماری ارزیابی می‌شوند، ممکن است ایستا (غیرقابل تغییر) و یا پویا (متغیر) باشند. فاکتورهای ایستا

مربوط به گذشته و غیرقابل تغییر و فاکتورهای پویا مربوط به حال و تغییرپذیر هستند. نمونه فاکتورهای ایستا سن فرد در زمان ارتکاب اولین جرم، سوابق کیفری، جنسیت، نوع بزه دیده‌ها و انگیزه ارتکاب جرائم قبلی است. نمونه فاکتورهای پویا، وضعیت اقتصادی و اشتغال فعلی، تأهل یا مجرد، شرایط خانوادگی، حرفه، اعتیاد و دوستان فرد می‌باشد.

با توجه به تفاوت‌های فردی، همه مرتکبین از نظر فاکتورهای ریسکی هستند که در دیگران وجود ندارد. به‌علاوه یک فاکتور ریسک مؤثر بر نوع خاصی از مرتکبین، لزوماً اثر مشابهی بر گروهی دیگر از مرتکبین ندارد. به‌علاوه مثال، اطفال بزهکار در دوران رشد به‌شدت متأثر از شرایط خانوادگی بوده و رفتارهای غیر صحیح والدین نظیر سوءاستفاده جنسی یا روانی و تنبیهات شدید، نقش مهمی در کشیده شدن یک نوجوان به سمت بزهکاری دارد؛ اما این فاکتورها در مورد افراد بالغ تأثیر بسیار کمتری دارد.

در این راستا، جایگاه و کارکرد متخصصین و کارشناسان بالینی هم تغییر یافته است. در رهیافت نوین نقش مددکاران اجتماعی دیگر کمک به بزهکاران برای اصلاح و درمان بالینی و باز پذیر سازی اجتماعی آنان نیست، بلکه ارائه اطلاعات به مقام‌های قضائی، زندان‌ها و پلیس درباره عوامل خطر (خطرناکی) و طبقه‌بندی آنان بنا بر میزان خطر، به‌منظور کنترل و نظارت... است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ۷۳۷).

ارزیابی آماری ریسک شیوه‌ای است برای تقسیم یک توده از داده‌ها به گروه‌های مختلفی که واجد همگنی زیادی باشند

بدین ترتیب که مایک متغیر هدف داریم که بر اساس هدف تحقیق تعیین می‌شود و آن را y می‌نامیم. مثلاً در حوزه علوم جنائی متغیر هدف می‌تواند تکرار جرم، نقض شرایط آزادی مشروط و... باشد. بعد از تعیین y ، فاکتورهای مؤثر در آن حدس زده می‌شوند که این عوامل با x نشان داده می‌شوند و مقدار آن ممکن است از ۲ تا n باشد. عوامل مؤثر در هدف را فاکتورهای ریسک می‌نامیم که ممکن است مثبت و یا منفی باشند. فاکتورهای مثبت فاکتورهایی هستند که گروه را به سمت ریسک می‌کشاند (نظیر اعتیاد والدین) و فاکتورهایی هستند که گروه را از هدف دور می‌کنند مثلاً داشتن تحصیلات عالی (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

هدف از ارزیابی آماری ریسک آن است که یک توده آماری را به گروه‌ای مختلفی که از لحاظ عوامل مؤثر بر هدف، بیشترین مشابهت یا همگنی داشته باشند، تقسیم کنیم. به بیان ریاضی هدف پیدا کردن گروه‌هایی است که اعضای آن از لحاظ x ها حداکثر همگنی را داشته باشند. اولین گام سنجش ریسک، ساخت درخت تصمیم است (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴: ۱۸۴).

سنجه ارزیابی ریسک متشکل از مجموعه‌ای از فرایندهای منطقی است که بر مبنای آن‌ها دو یا چند فاکتور ریسک با یکدیگر ترکیب شده و احتمال وقوع یک نتیجه تخمین زده می‌شود. بعد از مشخص شدن جمعیت مورد نظر، هدف و عوامل مؤثر در آن، درخت تصمیم را می‌سازیم. درخت تصمیم یک ساختار سلسله مراتبی است که در آن گره‌های میانی برای تست یک خصیصه به کار می‌روند. شاخه‌ها نشانگر خروجی تست بوده و برگ‌ها برچسب هر گروه را مشخص می‌نمایند (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴: ۱۸۴).

در حال حاضر مشهورترین شیوه، روش کارت است. در این روش، ابتدا گروه نمونه بر مبنای هریک از فاکتورهای ریسک به گروه‌های دوتایی تقسیم می‌شود تا مشخص شود کدام فاکتور بیشترین میزان همگنی را در بین زیرمجموعه‌ها پدید می‌آورد. فاکتوری که بهترین تمایز را ایجاد نماید انتخاب شده و گروه اصلی بر اساس آن به دو زیرمجموعه تقسیم می‌شود. آنگاه هریک از زیرمجموعه‌ها نیز بر اساس فاکتور ریسک بعدی که بیشترین همگنی را ایجاد می‌نماید، به زیرمجموعه‌های دوتایی دیگر تقسیم می‌شوند. فرایند تقسیم نمونه آنقدر ادامه می‌یابد که تمامی زیرمجموعه‌های ایجاد شده از لحاظ عنصر نتیجه کاملاً یک دست باشند. نتیجه این روش آن است که داده‌ها طی مراحل مختلف بر مبنای فاکتورهای ریسک به زیرگروه‌هایی با حداکثر همگنی تقسیم می‌گردد؛ یعنی هدف فرایند توزیع، تقسیم داده‌ها به زیر مجموعه‌هایی است که از نظر هدف، مثلاً تکرار جرم بیشترین همانندی را دارند. مثلاً افرادی که بیشترین میزان تکرار جرم و کمترین میزان رادارند. مزیت این روش این است که شناسایی تاثیرات متقابل فاکتورها در تحقق نتیجه را آسان می‌سازد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴: ۱۸۵).

در نظام حقوقی ایران گاه از روش‌های غیرعلمی و گاهی هم از روش‌های علمی در سنجش خطر استفاده شده است؛ اما در میان روش‌های علمی از روش‌های آماری استفاده شده و بیشتر بر روش بالینی از طریق تشکیل پرونده شخصیت در مرحله اجرای مجازات تأکید شده است.

۱) سنجش آماری ایستا

سنجش آماری ایستا که طبقه‌بندی عینی بزهکاران نام‌گذاری شده، در دهه بیستم میلادی ابداع و از دهه هفتاد در نهادهای عدالت کیفری گسترش یافته است. این روش برای نخستین بار در قالب استفاده از عواملی همچون تعداد محکومیت‌های سابق برای پیش‌بینی تکرار جرم و تخلف از دستورالعمل‌های آزادی مشروط مطرح گردید. در سال ۱۹۲۳ میلادی هارت و سپس برگس در سال‌های ۱۹۲۸، ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶ میلادی تلاش کردند تا از نظر آماری ارتباطی علی

میان عواملی چون تعداد محکومیت‌های سابق با احتمال تکرار جرم و احتمال تخلف از دستورالعمل‌های آزادی مشروط برقرار نمایند. در این روش، با توجه به مطالعه تعداد بسیاری از پرونده‌ها، عوامل معینی که از نظر آماری با تخلف یا مراعات دستورالعمل‌های آزادی مشروط مرتبط‌اند، انتخاب می‌شوند. آنچه در سنجش آماری به‌عنوان موضوع سنجش بررسی می‌شود، ویژگی‌های فردی شخصیت بزهکار نیست، بلکه عوامل مشابه گروهی با عنوان عوامل خطر جرم است. عوامل خطر چیزی نیستند جز وجوه شباهت میان گروه‌های بزهکاران. از این رو این‌گونه عوامل می‌توانند طیف وسیعی از وجوه شباهت را در برگیرند، برای نمونه اعتیاد، بیکاری و داشتن سابقه کیفری (آشوری، ۱۳۹۲: ۴).

۲) سنجش آماری پویا

هر دو روش ایستا و پویا در به‌کارگیری روش آماری با یکدیگر مشابه هستند. آنچه موجب تفاوت این دو از یکدیگر می‌شود، نحوه نگرش هر یک از آنها به عوامل خطر جرم است. سنجش آماری پویا افزون بر عوامل خطر ایستا به عوامل خطر پویا نیز توجه دارد. سنجش‌های آماری پویا در درون ساختار خود از یافته‌های سنجش بالینی استفاده می‌کند.

کاربرد سنجش آماری ریسک در نهاد ارفاقی آزادی مشروط

یکی از نخستین کارهایی که در حوزه عدالت کیفری در خصوص پیش‌بینی رفتار مرتکبین صورت پذیرفت، جداول پیش‌بینی آزادی مشروط برگس در سال ۱۹۲۸ بود که در آن داده‌هایی در مورد فاکتورهای مرتبط با موفقیت یا شکست آزادی مشروط جمع‌آوری شده و برای پیش‌بینی نقض آزادی مشروط به کار رفت. در کارهای برگس و دیگران صرفاً فاکتورهای موجود بالینی و غیر بالینی جنبه سیستماتیک و منظم پیدا کردند. در واقع، آن‌ها کاری جز نظام‌مند نمودن نحوه به‌کارگیری فاکتورهای موجود انجام ندادند. در حالی که آنچه امروزه شاهد آن هستیم، جایگزینی عوامل جرم‌زا با فاکتورهای ریسک است؛ یعنی فاکتورهایی که صرفاً ارتباط معناداری بین وجود آنها و تکرار جرم کشف‌شده، نه لزوماً یکی از عوامل جرم‌زا بوده و یا اثر جرم‌زایی آن‌ها به اثبات رسیده باشد.

در کشورهایی مانند آمریکا برای اعطای آزادی مشروط به مجرمان خطرناک یا تکرارکنندگان جرم شرایط بسیار سختی پیش‌بینی‌شده است. مثلاً پانزده ایالت آمریکا آزادی مشروط را از نظام کیفری خود حذف کرده‌اند. برخی اصول راهبردی دقیقی را برای آزادی

مشروط تعیین نموده‌اند. این اصول چند عامل را در نظر می‌گیرد: شدت جرم اصلی، شدت مجموع جرائم قبلی، حالت خطرناک و احتمال تکرار جرم (کاشفی اسمعیل زاده، ۱۳۸۴: ۲۹۱). آزادی مشروط از جمله ارفاق‌های قانونی به حال محکوم است که با توجه به خطرناکی مجرم در مدیریت ریسک جرم با دگرگونی روبرو می‌شود. آزادی مشروط به معنای آزادی مجرم پیش از اتمام مدت مجازاتش تحت شرایطی است. این آزادی تحت نظارت و در اجتماع صورت می‌گیرد و امکان لغو آن در صورت نقض شرایط لازم در مدت آزادی وجود دارد.

برای آزادی مشروط مهم‌ترین هدفی که برشمرده‌اند، کمک به اصلاح مجرم و بازگشت او به جامعه است؛ زیرا از یک‌سو، بزهکار در محیط اجتماع بهتر می‌تواند از لحاظ روانی - اجتماعی به رشد و پیشرفت برسد. از سوی دیگر با گذراندن مدت معینی از محکومیت انتظارات جامعه مبنی بر مجازات بزهکاران نیز محقق می‌شود.

همچنین حکمی که قاضی صادر می‌کند، در همه موارد اجرا نمی‌شود، بلکه در مواردی قاضی تصمیم می‌گیرد که اجرای آن را معلق کند. در بیان فلسفه تعلیق مجازات نظرات چندی ارائه شده است. استفانی و همکاران بر این باورند که گاهی تهدید اجرای مجازات اثری مؤثرتر از خود مجازات بر محکوم‌علیه دارد و در پیشگیری از ارتکاب جرم مؤثر است. یکی از مهم‌ترین معیارهای افراد، جهت انتخاب شدن برای برخورداری از تعلیق، پایین بودن درجه خطرناکی آن‌ها برای جامعه و به بیان دیگر سبک بودن جرائم ارتكابی آن‌هاست؛ زیرا هدف اصلی در تعلیق اجرای مجازات اصلاح و درمان مجرم است تا اینکه با ورود به زندان متحمل آسیب‌های روانی و اجتماعی کمتری گردند و احساس عدم تعلق به جامعه در آن‌ها به وجود نیاید.

استفاده از روش‌های سنجش ریسک ابتدا برای اعطای آزادی مشروط زندانیان آغاز گردید؛ اما امروزه در مراحل مختلف دادرسی از تعقیب و تحقیقات مقدماتی گرفته تا مرحله تحمل مجازات، فرد مجرم، تحت نظارت سیستم قرار دارد تا بدین وسیله خطر او برای ارتکاب مجدد جرم و برهم زدن نظم خنثی گردد.

اجرای بخش دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - یعنی اصلاح مجرم - به معنای پیشگیری از تکرار جرم از رهگذر اعمال محکومیت‌های کیفری است. ضمن رسالت اصلاحی - درمانی سازمان زندان‌ها، کیفر سالب آزادی، باید برای رفع آسیب‌های زیستی - روانی - اجتماعی مجرم به کار گرفته شود تا بتوان از تکرار جرم ناشی از اقامت صرف در زندان و تأثیرگذاری «خرده‌فرهنگ» خاص آن بر زندانیان پیشگیری کرد. بر اساس بند «ز» ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرایی، تهیه امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور انجام تصدی امور

بازپروری نظیر اصلاح و ارشاد، آموزش و بازسازگاری محکومان؛ و نیز به موجب بند «ک» ماده یادشده تهیه آمار و اطلاعات موردنیاز از محکومان و متهمان تحت نظارت به روش‌های علمی به منظور استفاده در امور اجرایی، سیاست‌گذاری و مطالعات کیفر شناسانه. بر عهده سازمان مزبور قرار داده شده است (منصورآبادی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۸).

همچنین برابر بند «ز» ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی، تهیه فهرست اسامی زندانیان محکوم واجد شرایط عفو یا تخفیف مجازات و ارائه آن به دیوان عالی کشور و همچنین پیشنهاد آزادی مشروط به مقامات قضایی مربوط به عهده سازمان زندان‌ها گذاشته شده است.

قانون‌گذار ایرانی در آزادی مشروط به شکل کاملاً واضحی به مسئله ریسک اشاره دارد. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط آزادی مشروط را به شرح ذیل مطرح می‌کند:

الف - ...

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود. بدین ترتیب قانونگذار پیش بینی عدم ارتکاب جرم را شرط اعطای آزادی مشروط می‌داند. براساس همین ماده این موضوع پس از گزارش رئیس زندان محل گذران محکومیت باید به تایید قاضی اجرای احکام برسد.

ظاهراً نظر قانون‌گذار این است که ارزیابی در زندان و توسط مقامات زندان صورت پذیرد. ماده ۱۸ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴^۱ یکی از وظائف سازمان زندان‌ها را تهیه و پیشنهاد اسامی محکومان واجد شرایط آزادی مشروط و ارائه آن به دادستان یا قاضی اجرای احکام می‌داند. همچنین در همین راستا ماده ۶۶ آئین‌نامه یکی از وظائف شورای طبقه‌بندی را اظهار نظر در زمینه احراز شرایط آزادی مشروط می‌داند.

درکل در قوانین ما شکل و تشریفات اجرای برنامه‌های ارزیابی مشخص نشده‌اند. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی تنها اشاره به این دارد که از اوضاع و احوال محکوم پیش‌بینی شود مرتکب تکرار جرم نخواهد شد، آئین‌نامه نیز به شکل روشنی کیفیت ارزیابی را مشخص نکرده است. از نظر عملی مشخص نیست ارزیابی‌های فعلی به چه صورت است. آیا یک ارزیابی بالینی به عمل می‌آید و یا ارزیابی شهودی. آیا اصلاً ارزیابی صورت می‌گیرد؟ در هر حال با توجه به سکوت قانون

و آئین نامه مذکور، می‌توان مدعی شد به شرط مهیا بودن امکانات فنی و وجود آمارهای لازم، امکان توسل به سنجش آماری هم وجود دارد.

از طرفی برخلاف مقررات سابق در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار سابقه و محکومیت حبس را به‌عنوان یکی از شرایط بهره‌مندی از آزادی مشروط قلمداد ننموده و مقرر داشته در صورت داشتن سابقه محکومیت حبس شخص می‌تواند از این نهاد ارفاقی استفاده نماید. لذا در احراز شرایط محکوم برای بهره‌مندی از آزادی مشروط، بهره‌گیری از اندوخته‌ها و تجربیات علمی از جمله روش‌های آماری خطر جرم بسیار مؤثر و مفید بوده و بااهمیت به نظر می‌رسد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع آزمایشی- میدانی بوده و برای سنجش آماری ریسک جرم زندانیان از روش آزمایشی استفاده شده است به‌طوری‌که زندانیان سال ۱۳۹۳ به‌عنوان گروه کنترل و زندانیان سال ۱۳۹۴ به‌عنوان گروه آزمایش انتخاب گردید. جامعه آماری شامل کل زندانیان بهره‌مند از آزادی مشروط در استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ می‌باشد. در این مطالعه، تعداد ۱۶۶۹ نفر مورد آزمون قرار گرفته‌اند که از ای تعداد ۸۶۴ نفر مربوط به ۱۳۹۳ و ۸۰۵ نفر مربوط ۱۳۹۴ بوده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌های اولیه از تحلیل ثانوی (داده‌های آرشیوی) و همچنین اسناد و مدارک موجود استفاده شده است و همچنین پرونده‌های زندانیان بهره‌مند از آزادی مشروط که تکرار جرم داشته و منجر به محکومیت شده است مورد مطالعه قرار گرفته و همچنین با اعضای شورای طبقه‌بندی زندان (احراز کنندگان زندانیان واجدالشرایط آزادی مشروط) و خود زندانیان نیز مصاحبه شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

جدول (شماره ۱) مربوط به تعداد و درصد زندانیان بهره‌مند از آزادی مشروط

استان	تعداد آزادی مشروط در سال ۱۳۹۳	تعداد زندانیان با بازگشت مجدد	درصد	تعداد آزادی مشروط در سال ۱۳۹۴	تعداد زندانیان با بازگشت مجدد	درصد	نسبت تغییر به ۹۴ به ۹۳
آذربایجان شرقی	۸۶۴	۱۱۷	۱۳,۵٪	۸۰۵	۴۱	۵٪	- ۸,۵٪

فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری
شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۸
۱۳۲

جدول (شماره ۲) فراوانی زندانیان بر اساس نوع جرم ارتكابی پس از آزادی مشروط

نوع جرم ارتكابی پس از آزادی مشروط	مواد مخدر		سرقت		ضرب و جرح عمدی		سرقت توأم با مواد مخدر		فرار از خدمت		محکومیت مالی		سایر	
	سال		سال		سال		سال		سال		سال			
	۹۳	۹۴	۹۳	۹۴	۹۳	۹۴	۹۳	۹۴	۹۳	۹۴	۹۳	۹۴		
فراوانی	۲۷	۹	۲۲	۱۱	۸	۳	۱۲	۴	۱۸	۴	۱۰	۵	۱۸	۵

همان گونه که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌گردد، از مجموع کل زندانیان محکوم واجدالشرايط آزادی مشروط استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۳، ۸۶۴ نفر و در سال ۱۳۹۴، ۸۰۵ نفر از آزادی مشروط استفاده کرده‌اند. در سال ۱۳۹۳ از مجموع زندانیان بهره‌مند از نهاد ارفاقی آزادی مشروط ۱۳٫۵٪ مجدداً مرتکب جرم شده و به زندان محکوم گردیده‌اند و در سال ۱۳۹۴ این نرخ بازگشت مجدد به ۵٪ کاهش یافته است. بر اساس مطالعات صورت گرفته و با بررسی پرونده زندانیان و مصاحبه با زندانیانی که پس از آزادی مشروط مجدداً مرتکب جرم شده‌اند و همچنین اعضاء شورای طبقه‌بندی زندان (احراز کنندگان شرايط استفاده از آزادی مشروط) این نتیجه حاصل شد که از سال ۱۳۹۴ برای پیش‌بینی احتمال عدم تکرار جرم، به علت تغییرات و اصلاحات صورت گرفته در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (ماده ۵۸ قانون) از سال ۱۳۹۴ معیارهای متفاوتی در نظر گرفته شده که استفاده از نظریه ریسک جرم و سنجش آماری در این خصوص مؤثر بوده است. همچنین بهره‌گیری از پرونده شخصیت که در مورد زندانیان تشکیل می‌شود، آن را تقویت کرده است.

زندان به وسیله دو روش ایستا و روش پویا مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در روش پویا از معیارهای عینی مانند نوع جرم، تخلفات داخل زندان، میزان محکومیت، همکاری در برنامه‌های زندان (اعم از مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی زندان، همکاری در ایجاد و برقراری نظم در زندان و...) استفاده می‌شود و در روش ایستا از معیارهایی نظیر تعداد سابقه کیفری، استفاده از عفو رهبری در مناسبت‌های مختلف در مورد محکومیت‌های قبلی، سن، جنس، وضعیت تأهل، تعداد افراد تحت تکفل، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال در زمان قبل از ارتکاب جرم، زندانی بودن اعضای درجه یک خانواده، اعتیاد مدنظر قرار می‌گیرد. در اینجا اطلاعات گردآوری

شده در پرونده شخصیت (که در زندان‌ها تشکیل می‌گردد) برای تکمیل فرایند ارزیابی ریسک به‌ویژه معیارهای ایستا مفید و مناسب است و یکی از ابزارهای سنجش ریسک به شمار آید. بر اساس مصاحبه با اعضای شورای طبقه‌بندی زندان، فرایند پیشنهاد آزادی مشروط و احراز حسن اخلاق و احتمال عدم ارتکاب مجدد بدین‌صورت است که ابتدا سنجش‌های آماری را بر مبنای معیارهای ارزیابی ایستا و پویا آماده کرده، سپس بر اساس میزان اهمیت، آن‌ها را امتیازبندی می‌نمایند. به‌طوری‌که تعداد سابقه کیفری در اولویت اول قرار داشته (بیشتر از دو بار سابقه محکومیت قبلی مورد توجه قرار می‌گیرد) و حداکثر ۳۰٪ امتیاز به افرادی که فاقد سابقه محکومیت قبلی باشند، تعلق می‌گیرد. نوع جرم نیز از اهمیت بیشتری برخوردار است و جرائم درجه‌بندی‌شده (جرائمی که از نگرش عموم مردم و افکار عمومی و اخلال در نظم جامعه مهم بوده و یا اینکه امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد حساسیت خاصی نشان داده می‌شود) و متناسب با آن امتیاز داده می‌شود و معمولاً برای جرائم کم‌اهمیت و بر مبنای میزان اهمیت جرم حداکثر ۲۰٪ امتیاز داده می‌شود برای افراد متأهل ۱۰٪ و چنانچه دارای فرزند نیز باشند ۱۰٪ نیز به خاطر آن به امتیازات اضافه می‌شود. برای افراد مسن و دارای ۶۰ سال به بالا ۲۰٪ داده می‌شود. همچنین نوع جنسیت هم در این موضوع دخیل بوده و برای زنان ۱۰٪ امتیاز تعلق می‌گیرد و اگر زنان سرپرست خانواده نیز باشند ۱۰٪ نیز اضافه خواهد شد. در ضمن در صورتی‌که زندانی در طول تحمل حبس در درون زندان فاقد تخلفات یا جرائم باشد ۲۰٪ امتیاز به ایشان تعلق می‌گیرد.

در نهایت زندانیان در صورتی‌که حداقل ۶۰٪ امتیاز را کسب نموده باشند واجد شرایط شناخته‌شده و جهت طی فرایند آزادی مشروط به مراجع ذی‌ربط قضائی پیشنهاد می‌گردد. مضافاً، برای زندانیانی که دارای بیماری خاص بوده و یا صعب‌العلاج هستند امتیازات ویژه به آنان داده می‌شود. همچنین وضعیت جسمی و روانی زندانی اعم از اعتیاد و... مورد توجه قرار خواهد گرفت.

بر اساس مصاحبه انجام‌شده با زندانیان (زندانیانی که تکرار جرم داشته‌اند) بیش از ۸۰٪ علت ارتکاب به تکرار جرم را وضعیت اشتغال و بیکاری اعلام کرده‌اند و برخی‌ها نیز اعتیاد و سایر عوامل از جمله طلاق همسر و... اعلام نموده‌اند.

بر اساس جدول شماره (۲)، از تعداد زندانیان با بازگشت مجدد در سال ۱۳۹۳، ۱۱۷ نفر و این تعداد در سال ۱۳۹۴ به ۴۱ نفر کاهش یافته است. گفتنی است پس از آزادی مشروط، در خصوص نوع جرم ارتكابی بین سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ اختلاف فاحشی مشاهده می‌شود.

به طوری که تعداد مرتکبین به جرم مواد مخدر در سال ۱۳۹۳، ۲۷ نفر و این تعداد در سال ۱۳۹۴ به ۹ نفر کاهش یافته است. در خصوص جرم سرقت نیز در سال ۱۳۹۳ به تعداد ۲۲ نفر و در سال ۱۳۹۴ به تعداد ۱۱ نفر، ضرب و جرح عمدی در سال ۱۳۹۳ به تعداد ۸ نفر و در سال ۱۳۹۴ به تعداد ۳ نفر کاهش داشته است. در خصوص سرقت توأم با مواد مخدر از تعداد ۱۲ نفر در سال ۱۳۹۳ به ۴ نفر در سال ۱۳۹۴، فرار از خدمت از ۱۸ نفر در سال ۱۳۹۳ به ۴ نفر و محکومیت مالی در سال ۱۳۹۴ از تعداد ۱۰ نفر به تعداد ۵ نفر در سال ۱۳۹۴ کاهش داشته است.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج تحقیق و از مطالعات صورت گرفته دو نکته اساسی حائز اهمیت بوده و قابل توجه هست: اول اینکه، از مجموع کل زندانیان محکوم واجدالشرایط آزادی مشروط استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۳، ۸۶۴ نفر و در سال ۱۳۹۴، ۸۰۵ نفر از آزادی مشروط استفاده کرده‌اند. در سال ۱۳۹۳ از مجموع زندانیان بهره‌مند از نهاد ارفاقی آزادی مشروط ۱۳٫۵٪ مجدداً مرتکب جرم شده و به زندان محکوم گردیده‌اند و در سال ۱۳۹۴ این نرخ بازگشت مجدد به ۵٪ کاهش یافته است. دوم، از تعداد زندانیان با بازگشت مجدد در سال ۱۳۹۳، ۱۱۷ نفر و این تعداد در سال ۱۳۹۴ به ۴۱ نفر کاهش یافته است. در یک بررسی کلی نتایج زیر قابل بحث و بررسی می‌باشد:

نگاه مدیریتی به کلیه مراحل فرایند کیفری یعنی کشف جرم، تحقیقات، تعیین مجازات، اجرا و مرحله بعد از اجرای حکم نیز تسری می‌یابد. استفاده از آزادی مشروط نه به خاطر ملاحظات انسانی و کرامت مدار، بلکه به خاطر اقتضائات خاص مدیریتی است. از آنجاکه بعد کیفری تنها یک جنبه از هر سیاست جنایی است. دولت‌ها در بعد جرم شناختی و پیشگیری از جرم، به جای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی در حدامکان، از روش‌های پیشگیری زودبازده و مسکن مانند تکنیک‌های پیشگیری وضعی استفاده می‌کند.

تمامی تحولات صورت گرفته در روش‌های سنجش خطر جرم رامی توان در راستای توجه به دو دغدغه مهم دانست: نخست کاهش میزان خطا در سنجش خطر جرم، دوم اصلاح و درمان بزهکاران. اندیشمندان علوم جنایی از یک سو همواره تلاش کرده‌اند که روش‌های سنجش خطر جرم را در راستای کاهش پیش‌بینی‌های نادرست اصلاح کنند و از سوی دیگر همواره به کاربرد عملی یافته‌های سنجش خطر جرم در اصلاح و درمان بزهکاران توجه

داشته‌اند این دغدغه‌ها و تلاش‌ها به شکل‌گیری سیر تحولاتی انجامیده است که به‌سوی ترکیب مفاهیم مختلف در راستای کاهش خطر جرم از طریق تغییر بزهکاران گرایش دارد. بر اساس تئوری امیل دورکیم در رویکرد مدیریتی جرم، پدیده‌ای به‌نجار محسوب می‌شود که ما نمی‌توانیم آن را به‌طور کلی حذف یا از بین ببریم. بلکه باید تلاش کنیم با استفاده از ابزارهای کیفری و غیر کیفری آن را کنترل کرده و برای شهروندان در حد قابل قبول کاهش دهیم. در این رویکرد بخش عمده جرائم توسط درصد ناچیزی از بزهکاران ارتکاب می‌یابند. بجای مبارزه بیهوده با همه مجرمین بهتر است برای افزایش کارایی دستگاه عدالت کیفری و حفظ امنیت بخش بزرگ‌تر جامعه، امکانات محدود سیستم صرف مبارزه با این گروه و گروه‌های پرخطر شود. بهتر است با مجرمان با ریسک پائین در خود جامعه و با استفاده از کیفرهای اجتماعی برخورد شود و همچنین با اعطاء فرصت مجدد از طریق نهادهای ارفاقی از جمله آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و...البته با بهره‌گیری از معیارهای علمی و عدالت سنجشی و تئوری سنجش ریسک جرم باعث اثربخشی و کارایی مجازات گردد. در این رویکرد با استفاده از معیارهای آماری و بالینی سنجش ریسک احتمال خطر مرتکب برآورد می‌شود و در صورتی که پرخطر برآوردن کردن وی، با استفاده از ابزارهای ناتوان‌کننده مانند اعدام، حبس‌های طولانی‌مدت و...مدیریت و کنترل می‌شود.

منابع

- آشوری، محمد و قاسمی مقدم، حسن، (۱۳۹۲)، روش‌های سنجش آماری خطر جرم، تهران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۳، شماره ۴.
- امینی، محمد (۱۳۴۶)، ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی، چاپ نخست، تهران، تابان.
- ابائی، محمدعلی و وزیر زنجانی، حمیدرضا، (۱۳۸۵) مدیریت ریسک، رویکردی نوین برای ارتقای اثربخشی سازمان‌ها، تهران، مجله تدبیر، سال ۱۷، شماره ۱۷۰
- پاک‌نهاد، امیر، (۱۳۹۴)، سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- جرج اس. ریگا کاس، جامعه خطر و جرم‌شناسی سنجشی: جنبه‌هایی برای یک گفتمان انتقادی، (۱۳۹۲)، مجله مطالعات بین‌المللی پلیس، مترجم افشین عبدالهی، تهران، سال چهارم، شماره ۱۳.
- جعفریان سوته، سید حسن، (۱۳۹۴)، از عدالت کیفری امنیت مدار تا عدالت کیفری کرامت مدار (علل، راهکارها)، تهران، نشریه اندیشه‌های حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱.

رضوانی، سودابه، (۱۳۹۱)، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان
 سرمد، زهره - بازرگان، عباس - حجازی، الهه، (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ
 دهم، تهران، انتشارات آگاه.

طاهری، سمانه، (۱۳۹۲)، سیاست کیفری سخت گیرانه، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
 عابدی نژاد مهرآبادی، زهرا، (۱۳۹۰)، سنجش و مدیریت خطر مجرمان جنسی، مجموعه
 مقالات همایش علمی-کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه (مشهد ۱۲ و ۱۳
 اسفندماه ۱۳۸۸)، جلد دوم، نشر میزان، مشهد، چاپ دوم.

عبدالهی، افشین و بهرامی، هیمن، (۱۳۹۰)، توجه به خطرناک برای مدیریت و کنترل بزه‌کاری،
 تهران، فصلنامه تعالی حقوق، سال چهارم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.

کاشفی اسمعیل زاده، حسن، (۱۳۸۴)، جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنائی
 کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها، تهران، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶
 ماری، فیلیپ، (۱۳۸۳)، کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی «محاسبه‌گر» در اروپا، مترجم
 حسن کاشفی اسمعیل زاده، تهران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹ و ۴۸.

منصورآبادی، عباس و ابراهیمی شهرام، (۱۳۸۷)، تحولات مدیریت پیشگیری از جرم، فصلنامه
 مطالعات پیشگیری از جرم، تهران، سال سوم، شماره هشتم.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۸) کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست
 جنایی مدیریت خطردار، تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها، چاپ اول. تهران، نشر
 میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و ایارگر، حسین (۱۳۹۳)، نظارت بر مجرمان خطرناک: چالش‌ها
 و راهکارها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، تهران، سال دوم، شماره ششم.

نجفی توانا، علی و میلکی، ایوب، (۱۳۸۶)، بومی‌سازی جایگزین‌ها و راهکارهای کاهش جمعیت
 کیفری، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، چاپ اول،
 تهران، انتشارات راه تربیت (وابسته به دفتر آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها).